کارگر قهرمان رفیق حسام روان عضو حزب رنجبران ایران با اعدام، جاودانه شد

هموطنان ،انقلابیون ومبارزان راه آزادی واستقلال ایران !

رژیم خون آشام خمینی درروزی نامه کیهان ۶۱/۱۰/۵ خبر اعدام رفیق قهرمان ما ،کارگر آگاه و کمونیستی مبارز عضو حزب رنجبران ایران ،رفیق "حسام روان" را اعلام نمود.

رفیق شهید حسام مدتی کوتاه درشهر اوکلاهما در آمریکا به تحصیل اشتغال داشت .در اینمدت بطور فعال درمبارزات کنفدراسیون جهانی برعلیه رژیم فاشیستی ووابسته شاه شرکت نموده ودر مدتی کوتاه بعلت خصلتهای انقلابی وخصوصیات برجسته خود به صفوف "سازمان انقلابی" (یکی ازسازمانهای تشکیل دهنده حزب رنجبران ایران) پیوسته ومبارزه خود را درسطحی بالاتر ادامه داد .اوکه تمام وجودش برای امر آزادی واستقلال ایران میتپید ،اوکه خواهان خدمت تمام وکمال به امر مقدس زحمتکشان ،به امر مقدس سوسیالیسم بود ،با اوجگیری جنبش مردم برای سرنگونی رژیم خائن شاه به ایران بازگشت وازاین تاریخ تا لحظه شهادت پرشکوهش بدون وقفه ودرصحنه اصلی مبارزه ،پیکارش را ادامه داد .شرکت درپراتیک ومبارزات توده ای ،مدرسه ای بود تا او درک خود را از انقلاب ،از مارکسیسم لنینیسم علم رهائی زحمتکشان ارتقاء دهد .پس ازتاسیس حزب رنجبران ایران وی نیز بصفوف آن پیوسته وبه سربازی فداکار برای حزب خود تبدیل گشت .پس ازپیروزی انقلاب او که به اهمیت آگاه و متشکل کردن طبقه کارگر ونیروی لایزال آنها واقف بود بیمیان آنان رفت واینبار بمثابه یک کارگر ساده ولی آگاه ،پیشرو و کمونیست درکارخانه چیت سازی شیراز استخدام شد .پراتیک جدید از او میخواست تمام آموخته هایش را ، تمام خلاقیتش وتمام ایمان وعشقش به امر زحمتکشان را درمحیط جدید بیآزماید .واوچه موفق ازاین بوته بیرون آمد .او دیگر روشنفکری بود که رسالت بردن آگاهی سوسیالیستی بدرون طبقه کارگر بعهده اش بود از اینرو کوششی خستگی ناپذیر برای درک مسائل ومشکلات زحمتکشان وبرای تلفیق تئوری علمی با جنبش کارگری داشت ،اکنون بمثابه جرقه ای که درمیان خرمن افتاده باشد میبایست درمیان این خرمن شعله ورگردیده وتمام اطرافیانش را به شعله ای سهمگین تر تبدیل نماید.

بعد از اتمام کار روزانه او را میدیدی تا پاسی از شب گذشته از خانه این کارگر به خانه آن دیگری میرفت ،به برخی ها آموزشهای مربوط به جنبش کارگری ومبارزه طبقاتی وملی را میآموخت وخود نیز مانند شاگردی درمکتب آنان میآموخت ،انرژی تمام نشدنی داشت وتا زه بعد از ختم کار روزانه گوئی با انسانی جدید وبروهستی که یکدم قرار وآرام ندارد وبه پیش میتازد ،چهره اش آئینه تمام نمای غمها وشادیهای زحمتکشان گردیده بود.

هنوز مدتی از کارش نگذشته بود که بپاس خدماتش به امر کارگران بعنوان یکی از نمایندگان آن کارخانه از طرف آنها انتخاب شد .اینبار او دیگر قرار وآرام نداشت ،از این کارخانه بآن کارخانه ،از این کارگاه بآن کارگاه ،از این سندیکا بآن شورا ،از این محله بآن محله کارگری میرفت وکارگران را دعوت به اتحاد وتشکل مینمود .رفیق شهید ما برای اینکه حتی یکلحظه از زحمتکشان جدا نیافتد خانه پدریش را ترک کرده ودرشهرک سعدی (یکی از محلات کارگرنشین شیراز) اطاقکی محقر اجاره نمود ودرآنجا رحل اقامت افکند .محل جدید وظایف جدیدتری را بدوش او گذاشت .زحمتکشان محله از بی آبی وبی بضاعتی در رنج وعذاب بودند واین امر با رسنگینی بردوش او بود .او با جدیتی تمام بپای بسیج ومتشکل کردن ساکنین محله بدور خواسته هاشان پرداخت ،چندین اعلامیه در دفاع از خواسته های آنان انتشار داده وپس از چند ماه فعالیت مستمر ،مشکل آب محله را حل نمود.

رفیق حسام چهره ای آشنا برای زحمتکشان شیراز گشته بود .بمحض تعطیل ساعت کار روزانه او را جلوی این یا آن کارخانه میدیدند که اعلامیه پخش میکند ،با کارگران درددل میکند ،بحث میکند ودرتمام این فعالیتها آنها را به تشکل واتحاد برای احقاق حقوق خود فرا میخواند .اگر او همراه ،غمخوار ونماینده ای آگاه وکمونیست از سپاه کارگران بود درمقابل برای رژیم ددمنش خمینی دشمنی بود که درو جودش مرگ رژیم خود را میدیدند .چندین بار توسط ایادیان رژیم تهدید بمرگ شده بود ولی او چنان غرق درفعالیتش بود که درتمام وجودش جائی خالی برای ترس موجود نبود.

با رشد مبارزات مردم درماههای اردیبهشت وخرداد ۶۰ او نیز شبانه روز به فعالیت پرداخت ،رفیق بعنوان مسئول بخش کارگری حزب رنجبران درشیراز شبها اعلامیه وشبنامه در،یا وردوروزها درکارخانه ها وخیابانهای شهر همراه مردم ودرصف اول مبارزه قدم به پیش میگذاشت .پس از خرداد ۶۰ وهجوم لجام گسیخته فاشیستهای حکومتی بصفوف مردم وسازمانهای مترقی وانقلابی ،نام او نیز از طرف انجمن اسلامی کارخانه بعنوان "ضدانقلاب" بدرب کارخانه نصب شد ورفیق مجبور به زندگی مخفی گردید .با بوجود آمدن نیروی مسلح حزب رنجبران درمیان عشایر فارس وی نیز به این نیرو پیوسته وبپای سرنگونی قهر-

آمیز رژیم قرون وسطائی خمینی رفت .درآخرین یورش رژیم در اردیبهشت ماه گذشته بصفوف عشایر ،وی نیز پس از نبردی پرشکوه به اسارت دشمن درآمد .واز آنزمان تا لحظه اعدام درزیر شکنجه های دژخیمان خمینی آنچنان که شایسته یک انقلابی بزرگ ،یک کارگر آگاه وکمونیست است ،به مقاومت پرداخته ووفادار به امر زحمتکشان وحزبش ،بپای چوبه اعدام رفت .اعدام وی سند محکومیت رژیم قرون وسطائی خمینی ،ودرعین حال سند حقانیت مبارزه طبقه کارگر قهرمان وحزب ما میباشد .اعدام وی درست در روزهائیکه عده ای "گه زمانی درصفوف کمونیستها بوده واکنون به کمونیسم پشت کرده واز بلندگوهای متعفن خمینی جغدوار به یاوه گوئی برعلیه کمونیسم پرداخته ،وبدفاع از ایدئولوژی فاشیستی خمینی برخاسته- اند ،نشان از این دارد که رفیقان نیمه راه با دگره میزنند ،کمونیسم امر رهائی بشریت مترقی ،امر رهائی زحمتکشان وکمونیستها فداکارترین انقلابیون هستند .

رفیق شهید ما حسام ،زیر پرچم خلل ناپذیر مارکسیسم لنینیسم ،اندیشه مائوتسه دون در راه اجرای خط مشی انقلابی حزب ما ،در راه سرنگونی رژیم سفاک خمینی ،در راه استقرار آزادی ،دمکراسی و استقلال ،در راه پیروزی زحمتکشان ،در راه ایجاد جمهوری دمکراتیک خلق وسوسیالیسم وکمونیسم جان خود را قهرمانانه فدا نمود ،پرچم او که سالهاست از خون زحمتکشان میهن ما وزحمتکشان سراسر گیتی گلگون بوده وهمواره در اهتزاز خواهد بود .

غم واندوه شهادت رفیق همانند غم واندوه شهادت سایر رفقا بویژه رفیق شهید عباس صابری ،ورفیق شهید بهرام را اعضاء کمیته مرکزی حزب ما ودیگر انقلابیون بردلهایمان سنگینی میکند ولی حزب ما بهمراه سایر انقلابیون مصمم است که علیرغم تمام سختی ها وخطرات ،علیرغم فاشیسم عریان رژیم جمهوری اسلامی یکدم از نبرد نایستاده وبراه شهیدان خلق وفادار بماند .

یاد رفیق شهید ،کارگر قهرمان وآگاه حسام روان گرامی باد

حزب رنجبران ایران - بخش خارج ۸۳/۱/۲۵